

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دخت پیامبر خدا

صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ

برگرفته از «فضائل فاطمة الزهرا عليها السلام»

حاکم نیشابوری
(متوفی ۴۰۵ ه.ق)

به کوشش

کتابخانه مسجد امام رضا علیه السلام

ثلاث باباجانی کرمانشاه

سرشنامه: حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، ۹۳۲۱ - ۴۰۵ ق
 عنوان قرارداد: فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام. فارسی. برگزیده
 عنوان و نام پدیدآور: دخت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برگرفته از «فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام» /
 حاکم نیشابوری؛ به کوشش: کتابخانه مسجد امام رضا علیه السلام، ثلاث باباجانی کرمانشاه.
 مشخصات نشر: تهران، انتشارات نبأ، ۱۴۰۲. مشخصات ظاهری: ۴۲ ص: ۱۴/۵ × ۲۷/۵ س. م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۶۴-۱۸۵-۴ وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
 یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان «فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام» با ترجمه مجید آقاخانی و سید علی
 علوی توسط انتشارات شاسوسا در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۱ - ۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 عنوان دیگر: برگرفته از «فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام».
 موضوع: فاطمه زهرا علیها السلام، ۸ قبل از هجرت - ۱۱. -- فضایل
 Fatimah Zahra, The Saint -- Virtues
 موضوع: فاطمه زهرا علیها السلام، ۸ قبل از هجرت - ۱۱. -- احادیث
 Fatimah Zahra, The Saint -- Hadiths
 شناسه افزوده: مسجد امام رضا علیه السلام (ثلاث باباجانی، کرمانشاه). کتابخانه
 رده بندی کنگره: BP ۲۷/۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۰۲۶۶



انتشارات نبأ

دخت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

برگرفته از «فضائل فاطمة الزهراء علیها السلام»
 حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ ق)

به کوشش:

کتابخانه مسجد امام علیه السلام (ثلاث باباجانی کرمانشاه)

حروفچینی: انتشارات نبأ | صفحه آرایی: نادر بیق | چاپ و صحافی: تقوی
 چاپ اول: ۱۴۰۲ | شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | قیمت: ۲۵۰/۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نبأ | تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از خیابان بهار شیراز،
 کوچه مقدم، نبش خیابان ادیبی، شماره ۲۶، طبقه سوم
 تلفن: ۷۷۵۰۶۶۰۲ | فاکس: ۷۷۵۰۴۶۸۳ | صندوق پستی: ۱۵۶۵۵/۳۷۷

مرکز پخش: کرمانشاه، شهرستان ثلاث باباجانی، میدان معلم، بلوار حر جنب
 بانک ملی، مسجد امام رضا علیه السلام، طبقه ۲، کتابخانه | تلفن: ۸۳۴۶۷۲۴۵۵۵



9 786002 641854



مقدمه

یک. ابو عبدالله محمد بن عبدالله ضبی نیشابوری معروف به ابن البیع و حاکم نیشابوری (ربیع الاول ۳۲۱ - صفر ۴۰۵) از محدثان بزرگ اهل سنت است که تمام عمر خود را به علم الحدیث گذراند. از راویان زیادی حدیث شنید و به راویان زیادی حدیث آموخت. در میان استادان و شاگردان او نامهای بزرگان علم الحدیث اهل تسنن دیده می‌شود.

کتابهای نگاشت، از جمله:

- علوم الحدیث (دانشهای مربوط به حدیث)

المستدرک علی الصحیحین (دوره مفصل چهار جلدی شامل احادیثی که با ضوابط بخاری و مسلم صحیح هستند، ولی بخاری و مسلم در صحیح خود نیآورده‌اند.

دو. درباره جایگاه والای او در دانش حدیث، بزرگان اهل سنت سخن گفته‌اند، که به کلام ذهبی اکتفا می‌شود.

ذهبی گوید: امام حافظ بزرگ، پیشوای محدثان بود.

و از ابن طاهر نقل می‌کند که در نقل حدیث مورد وثوق بود.^۱ ذهبی همچنین او را به عنوان «پیشوای راستگو» می‌ستاید^۲

سه. کتاب «فضائل فاطمة الزهراء» یکی از آثار حاکم نیشابوری است که در باره حضرتش ۲۳۲ کلام، شامل حدیث (کلام پیامبر) یا خبر (کلام صحابه که آن نیر در نظر اهل تسنن حجت است) نقل می‌کند.

دانشمندان بزرگ اهل سنت مانند ذهبی، تاج سبکی، سراج الدین قزوینی خلیفه چلبی این کتاب را از آثار حاکم نام برده‌اند.

این کتاب تا چند سال پیش منتشر نشده بود. و برای نخستین بار، در سال ۲۰۰۸/۱۴۲۹ بر اساس یک نسخه کهن که در کتابخانه «ملت کتبخانه» در آنکارا (ترکیه) نگهداری می‌شود، به چاپ رسیده است.

تاریخ کتابت این نسخه ۲۶ ربیع الثانی ۵۸۸ (فقط ۸۴ سال پس از وفات مؤلف) است که ارزش نسخه را نشان می‌دهد.

تحقیق کتاب را علی رضا بن عبدالله به عهده داشته که گرایش وهابی او در مقدمه و پانویس هایش بر کتاب، آشکار است.

۱. ذهبی، محمد بن احمد، تذکرة الحفاظ ج ۱ ص ۱۰۳۹ تا ۱۰۴۵.

۲. میزان الاعتدال ج ۶ ص ۲۱۶.



کتاب «فضائل فاطمة الزهراء» توسط دارالفرقان در قاهره در ۱۹۰ صفحه منتشر شده است.

چهار. در این گفتار، تلخیص تمام کتاب تحت عنوان هجده فصل، از ولادت تا شهادت درج شده است. باید دانست که در متن کتاب، احادیث و اخبار، به ترتیب زمان درج نشده است.

در این گفتار، همچنین شماره حدیث یا خبر در داخل پرانتز آمده تا برای پژوهشگرانی که علاقمند به پیگیری اصل مطلب باشند، جنبه راهنما داشته باشد.

بدین ترتیب، بجز تلخیص مطالب و حذف سندها و تنظیم زمانی مطالب، هیچ گونه تصرفی در متن کتاب نشده و هیچ کلمه ای بدان افزوده نشده است. این کار برای حفظ امانت نسبت به متن کتاب انجام شده است.

پنج. امید است این گام کوتاه در آستان بلند بانوی بانوان و فرزندان بزرگوارش حضرت بقية الله مقبول افتد و نظر لطف حضرتش را موجب شود.

متن گفتار

[۱]

یک:

فاطمه زهرا [سلام الله علیها]، بنا به یک روایت در ۴۱ سالگی رسول خدا صلی الله علیه وآله - یعنی سال یکم پس از بعثت - (ح ۷۸) و به روایت دیگر در ۳۵ سالگی حضرتش یعنی سال پنجم پیش از بعثت (ح ۷۹) متولد شد.

دو:

او زاده میوه بهشتی بود. بدین روی پیامبر وقتی او را می‌بویید، بوی بهشت را از او استشمام می‌کرد. (ح ۳۲ و ۷۲)

سه:

پیش از هر سفری که پیامبر می‌رفت، آخرین کسی که می‌دید، فاطمه بود؛ چنانکه پس از ورود به شهر، نخستین کسی که می‌دید، فاطمه بود. (ح ۲ و ۲۲۳)

چهار:

پیامبر، پس از هرسفر که می‌آمد، دست فاطمه را می‌بوسید. (ح ۲۳ و ۱۳۰). و به او می‌فرمود: «پدر و مادرم فدایت» (ح ۳).

هر بار که فاطمه بر او وارد می‌شد، می‌فرمود: «خوش آمدی دخترم» (ح ۷ و ۱۵۷ و ۱۶۱)؛ آنگاه او را بر جای خود می‌نشانید. (ح ۲۲).

پیامبر، او را «**فاطمه**» نامید، یعنی این که دودمانش از آتش دوزخ بریده و جدا شده‌اند. (ح ۵۰، ۵۱، ۵۲).
نیز فرمود: «دوستدارانش از دوزخ بریده شده‌اند» (ح ۷۵).

[۲]

معنای دیگر فاطمه، آن است که آن بانو، از آلودگی‌های عادی زنان دیگر، پیراسته بود. (ح ۷۲ و ۹۱)

[۳]**پیامبر به او می‌فرمود:**

«خداوند به غضب تو غضب می‌کند و به رضایت تو راضی می‌شود» (ح ۲۰ و ۲۱ و ۱۲۰).

او را «پارهٔ تن خود» نامید (ح ۳۹ و ۴۰) که: «هر چه فاطمه را بیازارد، پیامبر را می‌آزارد؛ و هر آنچه فاطمه را به درد آورد، پیامبر را به درد آورد» (ح ۱ و ۴۰ و ۴۱).

پیامبر، فاطمه را «محبوب ترین فرد نزد خود» (ح ۲۴ تا ۲۷ و ۳۵) و «عزیزترین مردم نزد خود» (ح ۴۲ و ۴۳) می دانست.

مادرانس بن مالک نیز فاطمه را به «ماه شب چهارده یا خورشیدی که از ابر بیرون آمده» تشبیه می کرد. (ح ۷۰ و ۷۷).

عایشه او را «مانند ترین مردم به پیامبر» می دانست، چه در سخن گفتن (ح ۲۲) و چه در راه رفتن (ح ۷ و ۱۵۷ تا ۱۶۱).

[۴]

پیامبر، او را برترین زنان عالم می دانست، و همراه بانوان مقدس همچون مریم، خدیجه و آسیه از او یاد می کرد. (ح ۲۸ تا ۳۱).

پیامبر، برتری او بر تمام زنان را، با تعبیرات مختلف بیان می داشت؛ از جمله:

سیده نساء المؤمنین (ح ۱۰ و ۱۱): سرور بانوان اهل ایمان.

سیده نساء اهل الجنة (ح ۱۴ تا ۱۹، ۱۶۲، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۸۳): سرور بانوان اهل بهشت.

سیده نساء المسلمین (ح ۷): سرور بانوان مسلمان.

سیده نساء الامة (ح ۷، ۱۱، ۱۰، ۱۳، ۱۵۹، ۱۶۱): سرور بانوان امت.

سیده نساء العالمین (ح ۱۰ تا ۱۲، ۱۴، ۱۵۹، ۱۶۱): سرور بانوان جهان.

گاهی فاطمه در مورد برتری مریم بر زنان جهانیان می پرسید. پیامبر پاسخ می داد: «دخترم! او سرور بانوان زمان خود بود، و تو سرور بانوان زمان خودت» (ح ۱۸۴ و ۱۸۶)

[۵]

پیامبر، او را «صدیقه» نامید (ح ۴۴)؛ یعنی کسی که راستگو ترین مردم است (ح ۴۵ تا ۴۹، ۱۵۱ تا ۱۵۳) [۱]

[۶]

پیامبر به او بخشش های مالی داشت؛ از جمله اینکه پس از نزول آیه «فآت ذا القربی حقه» [۲] فدک را به او بخشید. (ح ۳۳ و ۳۶).

پیامبر پس از این کار فرمود: «این قسمت خدایی است که به عنوان هدیه آسمانی به فاطمه و خاندانش بخشیده است. پس وای بر کسی که مانع از مالکیت او شود» (ح ۳۷).

[۷]

هدایای پیامبر به فاطمه، منحصر به هدایای مالی



نبود، بلکه هدایای معنوی نیز به او داشت، مانند دعاهایی که به او آموخت:

برای هر صبح و شام:

یا حی یا قیوم! برحمتک استغیث. اصلح لی شأنی کله، و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین (ح ۱۹۹)

ای زنده پایدار! تنها به رحمتت فریادرسی می‌کنم. تمام کارهای مرا به سامان آور، و مرا به اندازه یک چشم برهم زدن به خودم وامگذار.

برای ورود به مسجد:

السلام علیک ایها النبی ورحمة الله و برکاته. اللهم اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک (ح ۲۰۵ تا ۲۱۷)

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای پیامبر! خدایا! گناهانم را بیامرزد و درهای رحمت خود را به روی من بگشا.

برای خروج از مسجد:

السلام علیک ورحمة الله و برکاته. اللهم اغفر لی و افتح لی ابواب رزقک (ح ۲۰۵ تا ۲۱۷) [۳]

درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد. خدایا! مرا بیامرزد، و درهای روزی خود را به رویم بگشا.

هنگام خواب:

۳۴ بار «اللَّهُ اکبر»، ۳۳ بار «الحمد لله»، ۳۳ بار



«سبحان الله». پیامبر فرمود: این دعا، صد جمله بر زبان است و هزار برکت در میزان در قیامت. (ح ۱۵۰)

دعای مطلق:

اللهم رب السماوات السبع ورب العرش العظيم؛ ربنا ورب كل شيء؛ منزل التوراة والانجيل والقرآن؛ فالق الحَبِّ والنوى؛ اعوذ بك من شرِّ كلِّ شيءٍ أنت آخذٌ بناصيته. أنت الاوَّل، فليس قبلك شيء. وأنت الآخر، فليس بعدك شيء. وأنت الظاهر، فليس فوقك شيء. وأنت الباطن فليس دونك شيء. اقض عنا الدين واغننا من الفقر. (ح ۱۴۲ تا ۱۴۹) [۴]

خدایا! ای خداوندگار هفت آسمان و عرش بزرگ، ای خداوندگار ما و خداوندگار هر چیز. فروفرستندهٔ تورات و انجیل و قرآن، شکافندهٔ دانه و هسته. پناه می‌برم به حضرتت، از شرِّ هر چیزی که اختیار آن به دست تو است. تویی اول که پیش از تو چیزی نیست. و تویی آخر که پس از تو چیزی نیست. و تویی ظاهر که بالاتر از تو چیزی نیست. و تویی باطن که مادون تو چیزی نیست. و ام مرا بپرداز و ما را از فقر به بی‌نیازی برسان.

[۸]

در شمار هدایای معنوی پیامبر به فاطمه، ۱۲ کلام حکمت نیز نقل شده است:

۱. ابغض النساء الى الله التي لا تزال رافعة ذيلها



تشکو زوجها. (ح ۱۱۵): خداوند، زنی را که همواره دامن برچیند و از همسرش شکایت کند، بیش از دیگر زنان دشمن دارد.

۲. لا یؤمن بالله من لا یامن جاره بوائقه (ح ۱۳۴): ایمان به خدا نیاورده کسی که همسایه اش از آزارش در امان نیست.

۳. من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیکرم جاره (ح ۱۳۴): هر که ایمان به خدا و روز جزا آورده باید همسایه خود را گرمی دارد.

۴. من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیکرم ضیفه (ح ۱۳۴): هر که ایمان به خدا و روز جزا آرد باید مهمان خود را گرمی دارد.

۵. من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیقل خیرا او لیصمت (ح ۱۳۴): هر که ایمان به خدا و روز جزا آرد باید سخن به نیکی گوید یا سکوت برگزیند.

۶. ان الله یحب الحلیم الحیئ العفیف المتعفف؛ و یبغض الفاحش السائل الملحف (ح ۱۳۴): خداوند فرد بردبار و باحیا و اهل عفت را که عفت ورزد دوست می‌دارد. و فرد بد زبان را که در گدایی اصرار ورزد دوست نمی‌دارد.

۷. یا فاطمة اتقی الله و اطیعی زوجک تدخلی الجنة



بسلام. (ح ۱۷۳): ای فاطمه! از خدا پروا دار، و از همسرت اطاعت کن تا با آرامش در بهشت درآیی.

۸. لا تضربیه فائیه رایته یصلی؛ وائی نهیت عن ضرب المصلین (ح ۱۹۸): او را مزن، که من دیدم نماز می‌گزارد، و من مردم را از کتک زدن اهل نماز باز می‌دارم.

۹. ما رایت الجنّة حتی یراها جدّ ابیک (ح ۲۰۳): تو بهشت را نمی‌بینی مگر اینکه جد پدرت آن را دیده باشد.

۱۰. کلّ بنی اب ینتمون الی عصبه غیر ولد فاطمة، فائیه انا ابوهم و ابوها، و عصبتهم معی. (ح ۲۱۸): خاندان هر کسی به خاندانی نسبت داده می‌شوند، مگر فرزندان فاطمه که من پدر او و پدر آنهایم. و خاندانم با من همراه هستند.

۱۱. فی الجمعة ساعة، لا یوافقها عبد مسلم یسئل الله خیرا الا اوتیه... هی اذا تضيّفت الشمس للغروب (ح ۲۳۲)[۵]: در روز جمعه ساعتی هست که هیچ بنده مسلمانی خیری از خدا در آن درخواست نکند مگر آنکه بدو داده می‌شود... آن ساعت زمانی است که خورشید رو به غروب می‌رود.

۱۲. ابشری؛ المهدی منک (ح ۱۲۱): فاطمه! بشارت باد که مهدی از فرزندان توست.



[۹]

برای تزویج حضرت زهرا، ابوبکرو عمر رفتند؛ اما از پیامبر جواب منفی گرفتند.

پس از آنها علی علیه السلام اقدام کرد و پیامبر پاسخ مثبت به او داد. (ح ۶۸)

انس بن مالک این مطلب را به تفصیل آورده که ضمن آن پیامبر، پس از این که به علی علیه السلام پاسخ مثبت داد، برای فاطمه دعا کرد به همان گونه که زکریا برای مریم علیهما السلام دعا کرده بود:

«اللهم ائی اعیذها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم»
خدایا! من او را و دودمان او را از شر شیطان رانده شده به پناهت آوردم)

و مشابه آن را برای علی علیه السلام دعا کرد. (ح ۶۹)

ابن عباس گوید: پس از آن که پیامبر، فاطمه را به علی تزویج کرد، فاطمه گفت: مرا به همسری مردی عابد درآوردی که مال ندارد. پیامبر به او فرمود: «آیا رضایت نمی‌دهی به این که خدای تعالی به اهل زمین نظر افکند، از میان آنها دو تن برگزید: یکی را پدرت و دیگری را همسرت قرار داد؟» (ح ۱۳۲)

در جای دیگر، در همین زمینه به فاطمه فرمود: «به جان خودم سوگند، تو را به تزویج بهترین فرد خاندانم



در آوردم، کسی که در دنیا سرور است و در آخرت، در زمرهٔ صالحان». پس از آن در مورد فاطمه فرمود: «فاطمه از من است و من از اویم. خدایا! همان گونه که آلودگی را از من زدودی و مرا مطهر ساختی، او را نیز پاک و مطهر بدار». آنگاه برای هر دو دعا کرد. (ح ۱۳۳)

در بامداد نخستین روز زندگی مشترک آن دو فرمود: «ای فاطمه! تو را به تزویج سروری امین در دنیا و آخرت در آوردم که در زمرهٔ صالحان است» (ح ۲۲۴)

به روایت ابوذر، این ازدواج بارضایت کامل فاطمه بود. (ح ۲۳۱)

[۱۰]

از زندگی مشترک فاطمه با علی علیه السلام گزارش‌هایی در دست است؛ از جمله:

جابر انصاری ورور پیامبر در خانه فاطمه را گزارش می‌کند که آن بانو با دست خود، آسیا را می‌چرخاند. پیامبر با دیدن این صحنه گریست و فرمود: «ای فاطمه! از لذت دنیا به نعمت آیندهٔ بهشت منتقل خواهی شد». و در آن حال، آیه فرود آمد: «و لسوف یعطیک ربک فترضی» [۶] (ح ۱۷۹)

این همه در کنار تلاش امیر مؤمنان علیه السلام بود. گزارش دیگر، مربوط به زمانی است که پیامبر به خانه



فاطمه و علی می‌رود، در حالی که امیرالمؤمنین از خانه بیرون رفته تا برای مردی یهودی چند دلو آب بکشد، و در برابر آن خرما بگیرد و بتواند فرزندانش را سیر کند. (ح ۲۲۰)

در این زندگی، زیرانداز، لیف خرما بود. و رو انداز، پوست گوسفندی بود. (ح ۲۲۱ و ۱۱۷)

ولیمه ازدواج، به این قیمت فراهم آمد که امیر المؤمنین زره خود را نزد یک یهودی به گرو گذاشت (ح ۲۲۱)

اینان این قناعت و مناعت را از پیامبر فرا گرفته بودند. آنان روزی را به اد می‌آوردند که فاطمه یک قرص نان برای پدرش برده بود. پیامبر پرسید: چیست این نان؟ فاطمه پاسخ داد: قرص نانی است که پختم؛ اما خوش نداشتم بخورم تا نزد شما بیاورم. فرمود: این نخستین طعامی است که پس از سه روز به شکم پدرت می‌رسد. (ح ۲۰۱)

[۱۱]

خانواده ای که عطر بهشت در آن پراکنده بود:

روزی پیامبر وارد خانه شد. اهل خانه - فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام - را زیر عبا یا پارچه ای گرد آورد. آیه نازل شد: «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» [۷]. در اینجا پیامبر فرمود:

«اللهم هؤلاء اهلی و اهل بیته [۸]» (ح ۵۸)

روزی دیگر، گروه نمایندگی مسیحیان نجران به مدینه آمدند که در راس آنان سه تن بودند: سید، عاقب و عبدالمسیح. به پیامبر گفتند: چرا به یار ما بد می‌گویی؟ فرمود: یار شما کیست؟ گفتند: عیسی بن مریم که می‌پنداری بندهٔ خدا است. پیامبر فرمود: «آری، او بندهٔ خدا است و کلمهٔ خدا که به مریم القا کرد». آنان به غضب آمدند و گفتند: اگر راستگویی، به ما بگو چگونه بندهٔ خدا، مرده را زنده می‌کند و بیماران را شفا می‌دهد و از گِل پرنده می‌سازد؟ چنین کسی حتماً خدا است.

پیامبر سکوت کرد. جبرئیل آمد و آیه فرود آورد: «لقد کفر الذین قالوا انّ الله هو المسيح بن مریم» [۹]. (به راستی، کفر ورزیدند کسانی که عقیده دارند خدا همان مسیح فرزند مریم است). پیامبر به جبرئیل فرمود: آنان از من خواسته‌اند که مَثَل عیسی را برایشان بگویم. جبرئیل این آیه را نازل کرد: «انّ مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب..... تا آنجا که فرمود..... فمن حاجک فیه.....» [۱۰]

در اینجا بود که پیامبر، دست علی را به عنوان «انفسنا»، فاطمه را به عنوان «نسائنا»، حسنین را به عنوان «ابنائنا» گرفت و با خود به مباحله برد. مسیحیان تن به مباحله ندادند و گفتند مصالحه می‌کنیم. (ح ۵۴)



روزی دیگر دو فرزندشان بیمار شدند. پیامبر به پدر و مادر پیشنهاد کرد که سه روز، روزه نذر کنند تا خداوند به آنها شفا دهد. پس از این نذر خداوند به آنها شفا داد. همه خانواده روزه گرفتند، در حالی که در خانه غذایی برای افطار نبود. علی علیه السلام از شمعون یهودی سه صاع جو وام گرفت و فاطمه آنها را آرد کرد و پخت. شب اول، هر یک از افراد خانواده آماده افطار با یک قرص نان بودند که نیازمندی در زد. همگی قرص نان افطار خود را به او دادند و با آب افطار کردند. دو شب بعد نیز بدین سان یتیم و اسیر آمدند و در زدند و خانواده، تنها غذای خود یعنی نان افطار را به او بخشیدند و با آب افطار کردند.

روز چهارم پیامبر سری به خانه فاطمه زد و دید که کودکان از شدت گرسنگی مانند جوجه می لرزند. در همان حال، فاطمه در محراب عبادت بود. پیامبر آنها را دید و گفت: «خدایا! اهل بیت پیامبر، از گرسنگی می میرند؟»

در این حال جبرئیل فرود آمد و آیه را آورد: «هل اتی علی الانسان..... تا آنجا که فرمود: انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکورا» [۱۱] (ح ۱۳۳) [۱۲]

چندین راوی - از جمله زید بن ارقم و ابوهریره - روایت کرده اند که پیامبر بارها به چهار تن افراد آن خانواده می فرمود: «انا حرب لمن حاربتم و سلم لمن سالمتم [۱۳]» (ح ۶۱ تا ۶۵).

[۱۲]

این همه، بخشی از فضایل بانوی بانوان است که بطور مشترک با دیگر خانواده خود دارد. اما این همه فضایل بانو نیست.

گروهی از مکارم را فقط برای بانو بر شمرده‌اند. بخوانیم:

روزی پیامبر نزد فاطمه رفت، در حالی که غذایی برای خوردن در خانه نبود. گزارش به پیامبر دادند. تا زمانی که نشسته بودند، در برابر پیامبر دو طبق حاضر شد. پیامبر فرمود: بخورید به نام خدا.

در این حال سائل در زد و گفت: سلام بر شما اهل بیت! به ما طعام دهید از آنچه خداوند به شما روزی رسانده است. پیامبر پاسخ سلام داد و فرمود: «خدایت طعام دهداد!». او رفت و دو بار باز گشت. فاطمه گفت: پدرجان! گدا!

پیامبر فرمود: دخترم! این شیطان است (در لباس گدا). آمده تا از این غذا بخورد، اما خدا نمی‌خواهد که از غذای بهشتی به او برسد. (ح ۶۷)

روزی پیامبر به خانه فاطمه در آمد. به دخترگرمی خود گفت: «وقتی خواستید بخوابید، تسبیحات (۳۴ بار الله اکبر، ۳۳ بر الحمد لله، ۳۳ بار سبحان الله) بگویید (ح



علی علیه السلام فرمود: من این ذکر را هیچ شبی ترک نکردم. شخصی که در دل خود مطلبی نهان می‌گرد - اشعث بن قیس (ح ۱۰۱) یا عبدالله بن کواء (ح ۱۰۳) - پرسید: حتی شب صفین؟ فرمود: حتی شب صفین (ح ۶۶). در روایت دیگر آمده که پیامبر، زمانی این تسبیحات را به فاطمه آموخت که فاطمه از پدر خادمه ای خواسته بود تا در کارهای خانه به او کمک کند. (ح ۷۳).

این مضامین را، راویانی همچون: عبدالرحمن بن ابی لیلی، عبیده سلمانی، زید بن وهب جهنی، سائب، حارث، ابوامامه، شیبث بن ربیع، ابومریم، عبدالله بن یعلی، هانی بن هانی، هبیره بن بریم، عماره بن اعبد؛ از امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده‌اند. (ح ۹۴ تا ۱۱۴). ابوهریره نیز این خبر را گزارش کرده است. (ح ۱۳۵ تا ۱۴۱). نیز بر طبق روایت او، پیامبر فرمود: این جملات بر زبان صد جمله است و در میزان (قیامت) هزار. و بهتر است از خادم (ح ۱۵۰)

[۱۳]

فاطمه در واپسین لحظات عمر پیامبر در کنار بستر او بود.

وقتی گفت: «واگر باه»، پیامبر پاسخ داد: «پدرت پس از این روز گرفتاری نخواهد داشت». (ح ۱۹۲ تا ۱۹۶)

نیز پیامبر در برابر گریهٔ دختر دل‌بندش فرمود: «یا فاطمة! قد حضر من ابیک ما لیس الله بتارک احداً منه لموافاة یوم القیامة» (ح ۱۹۷): ای فاطمه! مطلبی به پدرت روی آورده که خداوند هرگز او را رها نمی‌کند برای موافات در روز جزا.

زمانی که فاطمه همراه با حسنین در کنار بستر پدر آمدند، فاطمه گریست و خود را بر بدن پدر انداخت، پیامبر او را آرام کرد و از گریه بازداشت و سه بار گفت: «اللهم اهل بیتی، و انا مستودعهم کلّ مؤمن» (ح ۲۰۰): خدایا! اینان اهل بیت من. و من آنها را به مؤمنان سپردم (تا حرمتشان را نگاه دارند).

ابن عباس گفت: پس از نزول سورهٔ فتح، پیامبر فاطمه را خواست و به او گفت: به من خبر مرگم را داده‌اند. فاطمه گریست. پیامبر فرمود: گریه مکن که تو نخستین کسی هستی که به من می‌پیوندی. گریهٔ بانو به خنده بدل شد. برخی از همسران پیامبر علت خنده و گریه را پرسیدند. بانو به آنها توضیح داد. (ح ۶، ۱۶، ۱۵۶ تا ۱۶۸)

پیامبر به فاطمه خبر داده بود که پس از او مصیبت فراوان می‌کشد و رنج بسیار می‌بیند. لذا او را به صبر توصیه فرمود:

«یا بُنِیَّة! انه لیس من نساء المؤمنین امرأة اعظم



رزیه منک، فلا تکونی ادنی امراة صبرا» (ح ۱۶): دخترم! مصیبت هیچ یک از زنان مؤمن به بزرگی مصیبت تو نیست. پس چنان مباش که کمترین درجه صبرا داشته باشی.

بدین روی، کسی فاطمه را پس از پیامبر، خندان ندید؛ تا روزی که رخت از این جهان کشید. (ح ۸۷)

[۱۴]

فاطمه، برخوردهای بد مردم با پیامبر و قدر ناشناسی آنها از حضرتش را دیده و از آن برخوردها آزرده خاطر بود. وقتی مردم از دفن پیامبر بازگشتند، به آنها فرمود: «حال، درون شما آرام گرفت که پیامبر را دفن کردید، بر او خاک ریختید و باز گشتید؟» (ح ۱۸۷ و ۱۸۸)

در سوگ پدر مرثیه می خواند:

وا ابتاه!

من ربه ما ادناه! وا ابتاه!

جنات الخلد ماواه! وا ابتاه!

رب العرش یکرمه اذا اتاه! وا ابتاه!

ربنا و الرسل تسلّم علیه حین تلقاه! (ح ۷۴، ۱۱۹، ۱۹۰،

(۱۹۱)

پدرجان! چه اندازه به خداوندگارش نزدیک شد! در بهشت جاودان جای گرفت! خداوندگار عرش هنگام



ورودش او را بزرگ می‌دارد! خدایم و پیامبران وقتی که
ببینندش او را سلام می‌کنند!

فدکش را بردند

او نزد خلیفهٔ اول رفت.

پرسید: وقتی فردی می‌میرد، چه کسی از او ارث می‌برد؟
گفت: خاندان و فرزندان.

فاطمه پرسید: پس آیا خاندان و فرزندان پیامبر از او
ارث نمی‌برند؟

خلیفه تاکید کرد: پیامبر، هیچ ارثیه ای باقی نگذاشته
است، نه زمینی، نه خانه ای، نه دینار و درهمی...

فاطمه از «فدک» گفت که مال خاصهٔ پیامبر بود و
سهم «ذوی القربی» (= خویشاوندان). ولی خلیفه نپذیرفت.
(ح ۱۵۵ و ۲۲۶)

خلیفه در برابر این استدلال، حدیثی آورد که: «لا نورث،
ما ترکناه صدقة». یعنی که تمام ارثیه پیامبر، صدقه
است. فاطمه از این جسارت - که بیهوده سخنی به
پیامبر رحمت نسبت داده‌اند، در این مدت کوتاه که از
رحلت حضرتش گذشته بود - غضبناک شد. با خلیفه
قطع رابطه کرد و با او سخن نگفت. و تا وقتی از دنیا
رفت، همواره برحق خود از خیبر و فدک تاکید می‌کرد.
(ح ۱۷۲ و ۱۷۷)



در روایت دیگر آمده که فاطمه بر «خمس» نیز تاکید می‌ورزید. (ح ۲۲۵)

[۱۵]

فاطمه بیمار شد

روزی زنان مهاجر و انصار به عیادتش رفتند. حال او را پرسیدند. در همان بستر بیماری، سخنانی بیان داشت. بخوانید:

اصبحت والله عائفة لدنیاکم، قالیة لرجالکم، لفظتهم بعد ان عجمتهم، و شنتتهم بعد ان سبرتهم. فقبحا لفلول الحد و خور القناة و خطل الرأی. «لبئس ما قدّمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم و فی العذاب هم خالدون» [۱۵]

لا جرم لقد قدّتهم ربقتها، و شنتت عليهم عارها، فجدعا و عقرا و سحقا للقوم الظالمین.

ویحهم اتی زححوها عن رواسی الرسالة و قواعد النبوة و مهبط الوحی الامین و الضنین بأمر دنیا و الدین. «الا ذلك هو الخسران المبین» [۱۶]

و ما نقموا من ابی حسین؟ نقموا والله نکیر سیفه و شدّة وطّاته و نکال و وقعته و تشمّره فی ذات الله.

و تالله لو تکافوا عن زمام نبذه رسول الله صلی الله علیه



وآله وسلم اليه لاعتقله، ولسار بهم سيرا سجحا، لا يكلم
 خشاشه و لا يتعتع راكبه؛ وأوردهم منهلا نميرا ففضاضا
 تطفح ضفتاه؛ ولأصدرهم بطانا قد غمرهم الرى، غير
 متحلّ منه بطائل الا بغمر الماء و ردغة سورة الساغب؛ و
 لفتحت عليهم بركات من السماء و الارض.
 و سيأخذهم الله بما كانوا يكسبون.

الا! هلمّ فاسمع. و ما عشت اراك الدهر العجب. و ان
 تعجب فقد اعجبك الحادث. الى اى لجأ استندوا؟ و بأى
 عروة تمسكوا؟

استبدلوا الذنابى والله بالقوادم، و العجز بالكاهل،
 فرغما لمعاطس «يحسبون انهم يحسنون صنعا» [١٧]

«الا انهم هم المفسدون ولكن لا يشعرون» [١٨]

افمن يهدى الى الحق احق ان يتبع ام من لا يهدى الا
 ان يهدى فما لكم كيف تحكمون» [١٩]

اما لعمر الهك، لقد لقحت، فنظرة ريثما تنتج، ثم
 احتلبوا طلاع العقب دما عبيطا و ذعاقا ممقرا؛ هنالك
 يخسر المبطلون و يعرف التالون غبّ ما سنّ الاولون.
 ثم طيبوا عن انفسكم انفسا و طامنوا للفتنة جأشا، و
 أبشروا بسيف صارم و هرج شامل و استبداد من الظالمين؛
 يدع فيئكم زهيذا و جمعكم حصيدا.



فيا حسرتى بكم و اُنّى لكم؟ و قد عميت عليكم.
«انلزمكموها و انتم لها كارهون» [۲۰]

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد ابى
سيد المرسلين (ح ۸۲)

[۱۶]

**زمان درنگ فاطمه پس از پیامبر بسی کوتاه بود. در
مورد مدت آن راویان اختلاف دارند:**

از عایشه و جابر دو ماه آورده‌اند. (ح ۸، ۹، ۸۹، ۹۰)

از زهری سه ماه آورده‌اند (ح ۸۷)

ابن شهاب و ابوجعفر بن سلیمان شش ماه گفته‌اند
(ح ۷۹ تا ۸۱ و ۸۷)

سنّ او در هنگام رحیل از این جهان فانی را نیز دو گونه
آورده‌اند:

۲۱ سال به روایت ابوجعفر بن سلیمان (ح ۷۸)

۲۸ سال به روایت ابن شهاب (ح ۷۹)

روزی فاطمه در اواخر عمر به اسماء بنت عمیس -
خدمهٔ خانه که بانویی میان سال بود - گفت: «مادر جان!
من شرم دارم از رفتاری که با پیکر بانوان در هنگام تشییع
آنان می‌شود».

در آن زمان، پیکر بانوان را روی تخته ای می‌نهادند

و فقط پارچه ای بر روی آن می کشیدند که بدن آنان نمایان بود.

اسماء گفت: دخترم! من وقتی همراه با عمویت جعفر بن ابی طالب در سرزمین حبشه بودیم، دیدم که در تشییع بانوان، تابوت می ساختند (تا پیکر بانوان نمایان نباشد). فاطمه فرمود: برایم این کار را انجام ده، و غسل مرا فقط خودت و علی بر عهده گیرید. (ح ۸۵)

هنگام غسل دادن پیکر بانو، عایشه وارد شد. اسماء او را از ورود بازداشت. عایشه شکایت به نزد پدرش برد. ابوبکر آمد و بردر ایستاد. گفت: اسماء! چه عاملی تو را وا می دارد که همسران پیامبر را از ورود بر پیکر دختر پیامبر بازداری و برای او هودجی مانند هودج عروس بسازی؟

اسماء پاسخ داد: بانو خود به من فرمود که کسی بر او وارد نشود. و این شکل تابوت را من به او نشان دادم که پسندید و خواست که مانند آن را برایش بسازم.

ابوبکر گفت: این او مرا انجام بده. و بازگشت.

امر غسل را علی علیه السلام و اسماء بعهدہ گرفتند. (ح ۸۶)

علی علیه السلام بدن زهرا را شبانه دفن کرد. (ح ۸۱)

مالک بن انس روایت کرده که ابوبکر، عمر،



عثمان، طلحه، زبیر، سعد و جمعی دیگر برای تشییع زهرا آمدند. ... (ح ۸۳).

[برخی از دانشمندان علم الحدیث که پیرو مسلک وهابی هستند، این خبر را جعلی و راوی آن ابومحمد قدامی را دروغ پرداز می‌دانند] [۲۱]

در برابر این خبر، خبرزهری است که بر او، علی بن ابی طالب نمازگزارد و شبانه دفن کرد و ابوبکر از دفن او خبردار نشد. (ح ۸۴). [دانشمند یاد شده با مسلک وهابی این خبر را صحیح می‌داند] [۲۲]

علی پس از دفن زهرا، در رشای او این دو بیت را می‌خواند:

لکلّ اجتماع من خلیلین فرقة

و کلّ الذی دون الفراق قلیل

و انّ افتقادی واحدا بعد واحد [۲۳]

دلیل علی ان لا یدوم خلیل (ح ۷۴ و ۹۲)

هر جا اجتماع دوستان باشد به جدایی می‌کشد و هر مصیبت دیگری در برابر آن اندک است. اینکه من یکی را پس از دیگری دلیلی است بر آنکه هیچ دوستی باقی نمی‌ماند.



[۱۷]

روزی پیامبر همراه با فاطمه و دو فرزندش بود. و علی در خواب بود. پیامبر به آنها فرمود: «فاطمه! تو و این دو فرزند، و این یک که خوابیده - علی - در روز جزا، در یک جایگاه خواهید بود» (ح ۲۲۲)

اما پیامبر در مورد جایگاه فاطمه در قیامت، حقایق دیگر فرمود:

چون قیامت فرا رسد، منادی ای از ورای حُجُب ندا می‌کند: «ای اهل جمع! دیدگان خود فرو پوشید تا فاطمه دخت محمد بگذرد» (ح ۴)

دخترم فاطمه در حالی محشور می‌شود که حُلَّةٔ کرامت به تن دارد و به آب حیات آمیخته شده است. (ح ۵)

نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود، منم و فاطمه و حسن و حسین.... و محبان ما پشت سرما به بهشت وارد می‌شوند. (ح ۵۹)

من و فاطمه و حسن و حسین و علی، در حظیرهٔ القدس (جایگاه بلندی در بهشت) هستیم، در قَبهٔ ای نورانی که قبهٔ مجد است؛ و شیعهٔ ما، در سمت راست عرش هستند. (ح ۶۰)

[۱۸]

چه بگوییم در وصف بانویی که در باره اش گفته‌اند:



مانند ترین مردم بود به رسول خدا صلی الله علیه و آله. و شاعر در مدح او سروده است:

بیضاء تسحب من قیام شعرها
و تغیب فیہ و هو جثل اسحم
و کانه فیہ نهار مشرق
و کانه لیل علیها مظلم (ح ۷۰ و ۷۷)

[۱۹]

گلچینی از روایات رسول الله (ص):

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به فاطمه فرمود: همانا خدا به سبب غضب تو غضب می کند و با رضایت تو راضی می شود.^۱

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: برترین زنان دو عالم، چهار نفرند:

مریم دختر عمران، آسیه همسر فرعون و دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر من.^۲

۱. حدیث شماره ۲۱؛ حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الطبعة الاولى، بیروت، النشر: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م می گوید: این حدیث، صحیح است؛ ولی بخاری و مسلم آن را نقل نکرده اند.

۲. حدیث شماره ۳۱



رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: فاطمه پاره تن من است؛ هر آنچه او را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر آنچه او را به رنج افکند مرا به رنج افکنده است.^۱

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: فاطمه شاخه‌ای از وجود من است. آنچه او را غمگین سازد مرا غمگین ساخته و آنچه او را خوشحال کند مرا خوشحال کرده است.^۲

یحیی بن عباد از پدرش نقل کرده است: وقتی نزد عایشه از فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه وآله سخن به میان می‌آمد، می‌گفت: هیچ کسی را راستگو تر از فاطمه ندیدم جز آن کسی که او را به دنیا آورده است (منظور رسول خدا صلی الله علیه وآله است).^۳

عبد الله بن بریده از پدرش نقل می‌کند که ابوبکر و عمر از فاطمه خواستگاری کردند. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به آن‌ها فرمود: فاطمه خردسال است؛ سپس علی

۱. حدیث شماره ۱

۲. حدیث شماره ۴۰

۳. حدیث شماره ۴۷



علیه السلام از فاطمه خواستگاری نمود و پیامبر او را به ازدواج علی علیه السلام درآورد.^۱

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در بامداد نخستین روز زندگی مشترک آن دو فرمودند: «ای فاطمه! تو را به تزویج سروری امین در دنیا و آخرت درآورده‌ام که در زمره صالحان است».^۲

عامر بن سعد از پدرش نقل می‌کند: زمانی که این آیه «نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمُ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمُ وَ أَنْفُسَنَا»^۳ نازل شد، پیامبر علی، فاطمه، حسن و حسین را فراخواند و فرمود: بار خدایا! اینان خاندان من هستند.^۴

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هنگام بین الطلوعین از منزل بیرون رفت در حالی که عبایی از پشم سیاه بر تن داشت. حسن بن علی آمد و پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم او را در زیر عبای خود جای داد؛ سپس حسین آمد و او را نیز در زیر عبای خود جای داد. سپس فاطمه آمد و او را نیز در زیر عبای خود داخل کرد و بعد از آن علی آمد و او را نیز در زیر عبای

۱. حدیث شماره ۶۸

۲. حدیث شماره ۲۲۴

۳. آل عمران: ۶۱

۴. حدیث شماره ۵۵



خود جا داد. سپس آیه تطهیر را تلاوت فرمود: «جز این نیست که خداوند می خواهد از شما اهل بیت هرگونه پلیدی را بزداید و شما را کاملاً پاکیزه گرداند».^۲

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به علی، فاطمه حسن و حسین فرمودند: من با افرادی که شما با آنان دشمنی می کنید دشمنم و با افرادی که شما با آنان دوستی می نمایید، دوستم.^۳

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: خاندان هر کسی به خاندانی نسبت داده می شوند، مگر فرزندان فاطمه که من پدر او پدر آن هایم؛ و خاندان آن ها فرزندان فاطمه با من همراه هستند.

روزی حسنین بیمار شدند. پیامبر به پدر و مادر آن ها پیشنهاد کرد که سه روز روزه نذر کنند تا خداوند شفایشان دهد. پس از این نذر، خداوند حاجتشان را اجابت فرمود و حسن و حسین بهبود یافتند. همه خانواده روزه گرفتند در حالی که در خانه غذایی برای

۱. احزاب: ۳۳

۲. حدیث شماره ۵۷

۳. حدیث شماره ۶۱



افطار نبود. علی از شمعون یهودی سه صاع جو وام گرفت و فاطمه آنها را آرد کرد و پخت. شب اول، هریک از افراد خانواده آماده افطار با یک قرص نان بودند که نیازمندی در زد. همگی قرص نان افطار خود را به او دادند و با آب افطار کردند. دو شب بعد نیز بدین سان یتیم و اسیر آمدند و در زدند و خانواده، تنها غذای خود یعنی نان افطار را به او بخشیدند و با آب افطار کردند. روز چهارم پیامبر سری به خانه فاطمه زد و دید که کودکان از شدت گرسنگی مانند جوجه می لرزند در همان حال فاطمه در محراب عبادت بود. پیامبر آنها را دید و گفت: «خدایا! اهل بیت پیامبر از گرسنگی می میرند؟» در این حال جبرئیل فرود آمد و این آیه را آورد: «هل اتی علی الانسان...» تا آنجا که فرمود: «انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء ولا شکورا»^۱.

از جمله گوهر واژه‌هایی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت زهرا سلام الله علیها آموختند:

خداوند فرد بردبار و باحیا و اهل عفت را که عفت ورزد دوست می‌دارد و فرد بد زبان را که در گدایی اصرار ورزد دشمن می‌دارد.^۲

۱. حدیث شماره ۱۳۳

۲. حدیث شماره ۱۳۴



ایمان به خدا نیاورده کسی که همسایه اش از آزارش در
امان نیست.^۱

هر که ایمان به خدا و روز جزا دارد باید مهمان خود را
گرامی بدارد.^۲

هر که ایمان به خدا و روز جزا دارد باید سخن به نیکی
گوید یا سکوت برگزیند.^۳

خداوند، نسبت به زنی که همواره دامن برچیند
و از همسرش شکایت کند، بیشترین غضب و دشمنی
را دارد.^۴

در روز جمعه ساعتی هست که هیچ بنده مسلمانی
خیری از خدا درخواست نکند مگر اینکه بدو داده
می شود... آن ساعت زمانی است که خورشید رو به غروب
می رود.^۵

۱. همان

۲. همان

۳. همان

۴. حدیث شماره ۱۱۵

۵. حدیث شماره ۲۳۲



روزی پیامبر به خانه فاطمه آمد. به دخترگرمی خود گفت: «وقتی خواستید بخوابید، تسبیحات (۳۴) بار الله اکبر، ۳۳ بار الحمد لله، ۳۳ بار سبحان الله بگویید»^۱.

علی علیه السلام فرمود: من این ذکر را هیچ شبی ترک نکردم. شخصی که در دل خود مطلبی نهان می‌کرد - اشعث بن قیس^۲ یا عبد الله بن کواء^۳ - پرسید: حتی شب صفین؟ فرمود: حتی شب صفین^۴.

برای ورود به مسجد: «السلام عليك ايها النبي ورحمة الله وبركاته. اللهم اغفر لي ذنوبي وافتح لي ابواب رحمتك»: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای پیامبر! خدایا! گناهانم را بیامرز و درهای رحمت خود را به روی من بگشا.^۵

برای خروج از مسجد: «السلام عليك ورحمة الله وبركاته. اللهم اغفر لي وافتح لي ابواب رزقك»: درود و

۱. حدیث شماره ۱۰۴

۲. حدیث شماره ۱۰۱

۳. حدیث شماره ۱۰۳

۴. حدیث شماره ۶۶

۵. حدیث شماره ۲۰۵ تا ۲۱۷



رحمت و برکات خدا بر تو باد. خدایا! مرا بیامرز و درهای
روزی خود را به رویم بگشا!^۱

برای هر صبح و شام: «یا حی یا قیوم! برحمتک
استغیث. اصلح لی شأنی کله ولا تکلنی الی نفسی طرفة
عین»: «ای زنده پایدار تنها به رحمتت فریادرسی می‌کنم.
تمام کارهای مرا به سامان آور و مرا به اندازه یک چشم بر
هم زدن به خودم وامگذار.

فاطمه! بشارتت باد که مهدی از فرزندان توست.^۲

۱. همان

۲. حدیث شماره ۱۲۱



پی نوشت‌ها:

[۱] یک وجه مهم راستگویی آن است که عمل انسان مطابق با ادعایش باشد. و او در مدّعی ایمان و عبودیت هرگز با خدای خود دروغ نگوید، یعنی مرتکب گناه نشود. بدین ترتیب، این نام، بیانگر عصمت حضرت اوست.

[۲] سوره روم، آیه ۲۶

[۳] الفاظ احادیث در اینجا اختلاف جزئی داشت. در متن بر اساس حدیث ۲۰۶ نقل شد.

[۴] الفاظ احادیث اندکی اختلاف دارد. در متن، از حدیث ۱۴۴ نقل شد.

[۵] در ادامه حدیث آمده است که حضرت زهرا به خادمه خود فرمود که در روز جمعه وقتی خورشید را در حال غروب دید، به او خبر دهد تا آن بانو به یاد خدا و دعا مشغول شود تا زمان غروب آفتاب.

[۶] و در آینده خدایت چنان بر تو ببخشد که راضی شوی. سوره ضحی، آیه ۵

[۷] سوره احزاب آیه: ۳۳

[۸] خدایا! اینانند خانواده و خاندانم.

[۹] سوره مائده آیه ۱۷

[۱۰] سوره آل عمران آیه ۶۱

[۱۱] سوره انسان، آیات ۱ تا ۹

[۱۲] نقل به تلخیص.

[۱۳] من در جنگم با کسی که با شما در جنگ باشد. و در صلح هستم نسبت به کسی که با شما در صلح باشد.

[۱۴] در روایت آمده که پیامبر فرمود: این کلمات را جبرئیل به من آموخت. (ح ۱۰۴)



- [۱۵] سوره مائده آیه ۸۰
- [۱۶] سوره زمر آیه ۱۵.
- [۱۷] سوره کهف آیه ۱۰۴
- [۱۸] سوره بقره آیه ۱۲
- [۱۹] سوره یونس آیه ۳۵
- [۲۰] سوره هود آیه ۲۸
- [۲۱] رجوع شود به بیان علی رضا بن عبدالله در همان کتاب
ذیل خبر یاد شده.
- [۲۲] بنگرید به نظر دانشمندان یاد شده ذیل آن خبر
- [۲۳] در منابع دیگر این مصراع بدین صورت آمده: و ان
افتقادی فاطم بعد احمد.